



مقاله



محمدين مسرت

كازينوى كپنهاگ

نويسنده اين مقاله ملتلي را به پياده گذرانس اقليمي بران در كپنهاگ به زبان آلماني در ۱۶ دسامبر ۲۰۰۹ در روزنامه آلماني تاگس سايونگ منتشر كرد. اين مطلب كه هم به پروتكل كيوتو انتقاد اساسي دارد و هم حامل طرحي گزينشني است. ابتدا به همت احمد احقرى به فارسى برگردانده شده و با ويرايش و توضيحات بيشتر در اختيار هموطنان ايراني بويژه خوانندگان چشم انداز ايران گذارده مي شود. پيشنهاد اصلي نويستنده تشكيل آژانس بين المللي آب و هواست كه بجاي كنترول گاز گرېنيك از طريق مصرف مواد فسيلى به كنترول اين گاز از راه توليد مواد فسيلى بپردازد.

تا سال ۲۰۵۰ ميلادي اين مقدار کاهش براي جلو گيري از گرمائش پيش از دو درجه سلسيوس قطعي است. دوم آن كه تجارت آلاينده هاي فسيلى (Emission Trading) كه به عنوان ابزار اصلي پروتكل كيوتو و زائنده پيشنهاد نئولبرالي است رايه زاله دان تاريخ بسياريم. اساس ايده اين ابزار اقتصاد بازار آزاد به اختصار از اين قرار است: حجم ۷۵۰ ميليارد تني گاز كرېنيك كه توليد آن با محاسبات علمي اقليم شناسان تا سال ۲۰۵۰ مجاز است، با بيمين تمام شهر زندان جهان "عادلايه" تقسيم شود. بر اساس اين مدل كشورهاي همچون مالي، بور كينا فاسو، ويتنام و ساير كشورهاي فقير در حال توسعه به علت سطح نازل توسعه يافتگي خود تا سال ۲۰۵۰ ميلادي، از سهميه سرانه توليد گاز گرېنيك به مراتب بيشتر از آنچه در واقعيت مصرف مي كنند بهره مند خواهند شد. اين درحالي است كه بودجه سرانه اين گاز براي كشورهاي ماننا پالات متحده آمريكا، آلمان، ژاپن و ساير كشورهاي نرژ تمثليه دليل سطح بسيار بالاي مصرف آنها در مدت زمان بسيار كوتاهي به پايان خواهد رسيد، از اين رو در اين سيستم كشورهاي ثروتمند در موقعيت تفاضا كنندگان در بورس بين المللي قرار مي گيرند. درحالي كه همزمان آن كشورهاي فقير در موقعيت عرضه كننده اين كالاماز اسهم گاز كرېنيك خود در اباهدن كسب درآمد ملي در بورس به فروش مي رسانند. به اين حوال حق سرانه توليد گاز كرېنيك كاملاً همسوي با روند "نو آوري هاي" نئولبراليسم در بازار مالي جهاني به فرآورده مالي نويني تبديل شده و بازار وسيعي براي بورس بازي و ورود سرمايه هاي مالي به اين بورس و گسترش سوداگري فراهم مي آورد، باشد كه اين بازار مالي جهاني نيز همانند ديگر بازارهاي مالي از جنس سرمايه گذاري و بورس بازي املاك در ايلات متحده آمريكا زائده به حساب مالي جديدي تبديل شود كه سرنوشت ديگري جز تر كيدن و ايجاد بحران جديدي ديگري نداشته باشد.

جهاني است كه اين در بهترين حالتش براي ادامه حيات سرمايه داري اهميت مي يابد. البته بحران مالي جهاني قادر است با سياستگذاري ويسته هاي دولتي تقليل داده شود، اما براي بحران اقليمي در صورتي كه گرمائش زمين از مرز ۲ درجه سلسيوس فراتر رود، هر گونه بسته نجات بخشي بسيار دير خواهد بود. اقليم زمين بانك نيست، چرا كه در اين صورت مدت ها مورد نظر قرار مي گرفت و معضل آن حل مي شد. وقت آن فرا رسيده كه تمايلات افراط گر اياته به اقتصاد بازار اكنوار بگذاريم و براي کاهش توليدات گاز كرېنيك اقدام به تدوين ضوابطي محكم كنيم. براي اين كار به باور نويستنده ضروري است سياستگذاري اقليمي در سه مورد اساسي تصحيح شود:

اول لازم است فلسفه نئولبرالي را كه راه حل همه مشكلات بشر را از طريق بازار آزادي ميند كنار بگذاريم و به جاي مصرف كننده نقش توليد كنندگان حامل انرژي فسيلى مانند زغال سنگ، گاز طبيعي و نفت را در راستاي راهبردي تقليل سيستماتيك آلاينده هاي گاز كرېنيك از طريق محدود كردن توليد مد نظر قرار دهيم. ۷۰ درصد منابع انرژي فسيل فقط در بيست كشور متمرکزند كه ايلات متحده آمريكا، روسيه، چين، هند، استراليا، كانادا و كشورهاي عضو اوپك از آن جمله اند. اين تنها راه تضمين شده براي کاهش ۵۰ درصد انباشت گاز كرېنيك است.

بحران مالي جهاني قادر است با سياستگذاري ويسته هاي دولتي تقليل داده شود، اما براي بحران اقليمي در صورتي كه گرمائش زمين از مرز ۲ درجه سلسيوس فراتر رود، هر گونه بسته نجات بخشي بسيار دير خواهد بود

انگلا مركل و ديگر رهبران كشورهاي قدرتمند جهان با تصويب يك قطعنامه آبكي شكست تمام عيار كنفرانس سران كشورهاي حل مشكلات اقليمي را نوعي موفقيت جلوه دادند، آنها پيش از آن كه براي آينده بشريت كوشش جدي كنند بيشتر در چنين كنفرانس هاي بزرگ جهاني همان گونه كه در كپنهاگ نيز اتفاق افتاد به فكر بهينه كردن موقعيت خود در انتخابات بعدي هستند. اما مشكل كپنهاگ اين بود كه پروتكل كيوتو يعني سندی كه نئولبراليسم جوهرش بود در نقطه اوج سرمايه داري نئولبرالي در سال ۱۹۹۷ تدوين شد. رمانباني كار خود قرار داد بي علت نيست كه "هونپهاگن" (به معنای "تخریب امیدها") نمی تواند اميدهاي بسياري از دوستان اران محيط زيست و طرفداران سرسخت حفظ تعادل آب و هوا را بر آورده سازد.

قرار داد كيوتو همسوي با اين اصل اساسي اقتصاد بازار، پايه ريزي شد كه "در بازار آزاد اين مصرف كننده است كه سرنوشت يك كالارا تعيين مي كند". در اين سند كشورهاي طرف قرار داد تنها در نقش "مصرف كننده" انرژي هاي فسيلى به کاهش آلاينده گاز كرېنيك (CO2) موظف مي شوند. به اين ترتيب تريب كافي است كه در هر كشوري مصرف كنندگان انرژي فسيلى با استفاده از ابزار بازار آزاد به صرفه جويي در مصرف تشويق شوند. شايد اين روش مصرف كننده محور بتواند در زندگي روزمره جامعه سرمايه داري معنا و مفهومي داشته باشد، اما آيا اين درست است كه در اجرائي راه حل يك مشكل حياتي بشريت هم به استفاده از مكانيسم هاي مصرف در اقتصاد بازار اكتفا كنيم؟ آيا بحران اقتصادي و مالي كوئوني هنوز درس هاي لازم را ننگر فتايم كه براي تضمين نيازهاي حياتي انسان ها، كنترول دولت و استفاده از ابزار بر كار آمد سياسي امري ضروري است؟

آب و هوا بانك نيست

تعادل آب و هوا به موجوديت و سرنوشت بشريت مربوط است و به مراتب بهمتر و اساسي تر از سيستم مالي

اسفند ۱۳۸۸ و فروردين ۱۳۸۹

باسازمان تجارت جهانی (WTO) که باید وظیفه کنترل و نظارت بر این بازار مالی کالی جدیدی به نام Emission Trading را به عهد بگیرد. سازمان‌های دولتی و نهادهای علمی تحولات جهانی زیست محیطی دولت فدرال آلمان عنوان شده است. مخترعان این طرح و حامیان بانک جهانی اقلیم این چالش بزرگ را مسکوت می گذارند که کشورهای ثروتمند با خرید حق تولید سرانه آلاینده های انرژی فسیل از کشورهای فقیر قادر می شوند مانند گذشته گاز کربنیک به جو زمین وارد کنند. در حالی که درآمدهای به احتمال زیاد ناچیز کشورهای در حال توسعه از طریق فروش سهام خود به دست قشر ممتاز ثروتمندان کشورهای در حال توسعه می رود. افزون بر آن، این کشورها همزمان با فروش کامل سهام خود، برای همیشه حق صنعتی شدن و توسعه اقتصادی ملی خود را از دست خواهند داد.

سوم این که این سیستم به ظاهری در دوسر، برای کاهش گاز کربنیک، نیاز به یک دستگاه غول آسای کنترل دارد که مقدار تولید واقعی این گاز با مقدار سهم خریداری شده Emission Trading در بازار جهانی یکی باشد و هیچ کشور یا کارخانه ای دست به تقلب نزند و بیش از آنچه حق قانونی او می باشد، گاز کربنیک به جو زمین وارد نکند. مسلم است که هزینه های چنین سیستم وسیع کنترل سر به فلک خواهد زد، اما بدون این کنترل پر هزینه هم این سیستم اصولاً قابل اجرا نخواهد بود. تنها چیزی که مطمئناً اتفاق خواهد افتاد رونق بورس با خرید و فروش مجازی کالایی است که با وجود طرفداران ایده Emission Trading به بهانه جلوگیری از بحران اقلیمی به بازار جهانی عرضه می شود. با توجه به انتقادات جدی به پروتکل کیوتو و ابزار آن متأسفانه این راه با سادگی غیر قابل تصویری ادامه داده می شود. شاید ریشه این پیش در اسطوره آیدئولوژی بازار آزاد و عدم درک این واقعیت که در سرمایه داری انسان وسیله سوداگری است و نه هدف اصلی، نهفته باشد. البته انسان ها تعطاف پذیرند، از این رو تاکنون با وجود این واقعیت و به علت فقدان گزینه بهتر با سرمایه داری تجانس داشته اند. اما آیا باور به این که طبیعت و اقلیم زمین هم نسبت به سرمایه داری و بازار آزاد تعطاف خواهند داشت، ساده لوحانه نیست؟ این گونه که پیداست نه تنها بیرون لیبیرالیسم و نئولیبرالیسم اقتصادی، بلکه حتی بسیاری از هواداران ایده اقتصاد و جامعه پایدار نیز با دنیاهای کورگورانه از پروتکل کیوتو هنوز دریافته اند که حفظ تعادل آب و هوای زمین باید هدف اصلی سیاست گذاری باشد نه وسیله جدیدی در خدمت سوداگری در بازار جهانی مالی. بشریت ممکن است تا مدت زیادی هنوز بتواند با سرمایه داری همزیستی کند، اما اگر اموال به مهار تولید گاز کربنیک نشود و گرمایش سطح زمین از مرز دو درجه سلسیوس عبور کند و تعادل نسبی آب و هوا خدشه دار شود، آن گاه قطعاً موجودیت بخش وسیعی از مردم جهان به مخاطره خواهد افتاد. زیر طبیعت نه نیاز به همزیستی با سرمایه داری دارد و نه به موجودی به نام انسان. این بشریت است که موجودیت او به محیط زیست

و طبیعت وابسته است و نه برعکس.

آیةی توان جایگزینی برای پروتکل کیوتو تصور کرد؟

بیش لیبیرالیستی و نئولیبرالیستی حفظ محیط زیست و طبیعت تنها حالت اسفاندهمند هر لیبیرالیستی و نهادهای معقول و ممکن بسته است و برعکس بشریت را به کوره های آتش از جنس پروتکل کیوتو سوق داده است. این سند پایه حقوق بین المللی کاری به تولید حامل های گاز کربنیک یعنی تولید نفت، گاز طبیعی و ذغال سنگ ندارد، ولی مانند ضرب المثل ایرانی رقمه را پیش از ورود به دهان یکبار دور کردن می گرداند و به جای تولید، مصرف و مکانیسم های مصرف در بازار را مدنظر قرار می دهد. امید دار دیتواند به کمک دستگاه بوروبور کراییک عظیم جهانی و مکانیسم های بازار آزاد جلوی مصرف انرژی فسیل و تولید گاز کربنیک را بگیرد، در حالی که تولید حامل های انرژی فسیل، کوتاه ترین، کارآمدترین و کم هزینه ترین اهرم اقتصادی برای سیاست گذاری در راستای مهار چالش گاز کربنیک است که می تواند بر اساس بند "جلوی ضرر را باید از ریشه گرفت" در خدمت مهار خطرات اقلیمی، راه های عقلانی به مراتب بهتری باشد تا روش های نئولیبرالی پروتکل کیوتو. دو اینجابه اختصاص خطوط اصلی طرح گزیننه مهار خطر بحران اقلیمی را که تاکنون در نوشته های نویسنده به زبان آلمانی به بحث گذارده شده اند ترسیم می کنیم:

۱. تغییر فلسفه پروتکل کیوتو از مصرف محور به تولید محور و اصلاح این قرارداد بین المللی در جهت کنترل تولید حامل های فسیلی نفت، گاز طبیعی و ذغال سنگ یعنی توافق بین بیست کشور تولید کننده (به جای دویست کشور مصرف کننده) به تریبی که کشورهای تولید کننده به تقلیل سیستماتیک سالانه و تقسیم سهم هر کشور و موظف شوند. با در نظر گرفتن انعطاف لازم در صورت تغییر و تحولات نامعلوم و غیر قابل پیش بینی در تقسیم سهم هر کشور هر ساله تجدید نظر می شود به این منظور آژانس بین المللی آب و هوا تشکیل و این مؤسسه به سازمان اجرائی پروتکل کیوتو اصلاح شده تبدیل می گردد.

تغییر فلسفه پروتکل کیوتو از مصرف محور به تولید محور و اصلاح این قرارداد بین المللی در جهت کنترل تولید حامل های فسیلی نفت، گاز طبیعی و ذغال سنگ یعنی توافق بین بیست کشور تولید کننده (به جای دویست کشور مصرف کننده) به تریبی که کشورهای تولید کننده به تقلیل سیستماتیک سالانه و تقسیم سهم هر کشور موظف شوند

۲. در این الگو دیگر نه به Emission Trading نیاز است و نه به دستگاه بوروبور کراییک کنترل مصرف کنندگان انرژی، اما تقسیم حامل های انرژی موجود در کل به عهده بازار جهانی گذارده می شود. به همین دلیل و به دلیل کمیابی و تقلیل مداوم عرضه، قیمت مواد فسیلی ارتقا پیدا کرده و همه فناوری های جایگزین را در موقعیت رقابت کار آور و اشتغال زای مؤثری قرار می گیرند و روند انتقال فناوری انرژی های سنتی به انرژی های نو و به عبارت دیگر فرم ساختاری راسازمان می دهد. در این رابطه و در حالی که تولید منابع فسیلی با هزینه نسبتاً کم و با نظارت دولت و آژانس بین المللی کنترل می شود. در از یک سو بازار آزاد بدون شک کم هزینه ترین وسیله تغییر ساختاری است، ولی از سوی دیگر بازار آزاد خود به خود پاسخخی برای مشکل تقسیم عادلانه مصرف و تأمین مخارج سرمایه گذاری لازم تغییر ساختار را ندارد. اصولاً سرمایه داری و اقتصاد بازار آزاد مایشا در هیچ موردی نمی تواند پاسخخگوی چالش های مربوط به عدالت اجتماعی باشد، چرا که هدف سرمایه داری، سود آوری است در حالی که این چالش ها تنها از طریق طریق برنامه های سیاسی قابل حل می باشند.

۳. متأسفانه تاکنون بحث های ۱۲ ساله بعد از به وجود آمدن پروتکل کیوتو نتوانسته راهی و نشان دهد تا هزینه های تغییر سیستم تولید و مصرف انرژی جهانی به طور عادلانه ای بین کشورهای جهان تقسیم شوند، چرا که کشورهای ثروتمند همواره از زیر بار مسئولیت تاریخی خود طفره رفته اند، در حالی که می توان معیار کاملاً شفاف و از نظر اخلاقی تمام عیار تقسیم عادلانه هزینه سنگین تغییر سیستم را که مورد قبول کشورهای فقیر هم نیز خواهد بود مدنظر قرار داد. این معیار همانا سهم تولید گاز کربنیک هر کشور است که تقریباً از دویست سال پیش تا به حال به جو زمین وارد شده که دقیقاً هم بر اساس مصرف مواد آلاینده فسیلی قابل محاسبه است، به این ترتیب ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورهای صنعتی شده و ثروتمند موظف به تقبیل بخش عمده هزینه های سرمایه گذاری لازم در کشورهای عقب مانده و فقیر خواهند شد تا به این ترتیب این کشورها بتوانند ساختار سیستم انرژی خود را از جنس فسیلی به انرژی های تجدید پذیر جابجا کنند. به منظور جمع آوری و سرمایه گذاری هدفمند منابع، لازم به تشکیل صندوق اختصاصی خواهد بود که زیر نظر آژانس بین المللی آب و هوا که تأسیس آن نیز اجتناب ناپذیر است فعالیت می کند.

نتیجه گیری

تجارت با آلایندگی حامل های سوخت فسیلی راهی برای گسترش سرمایه داری کازینویی است، اما اگر در چالش جهانی آب و هوا شکی نیست، پاسخ آن راه و چاره جدی سیاسی است. الگوی جایگزین که نویسنده مطرح کرده که تأسیس آژانس بین المللی آب و هوا با وظایف تعریف شده بالا جزو آن می باشد می تواند راهگشای این چالش جهانی باشد.

پرفسور محسن مسرت (استاد پیشین اقتصاد سیاسی دانشگاه اوزنبروک آلمان)

اسفند ۱۳۸۸ و فروردین ۱۳۸۹